

زیبایی عفاف

پوشش مناسب، از نشانه‌های «عفاف» و «عزّت نفس» است به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجّه وی به این دو ارزش انسانی را دریافت. با این‌که اسلام هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده، امّا نسبت به پوشش زنان توجّه ویژه‌ای دارد. در این درس می‌خواهیم علت این توجّه خاص و پرسش‌های پیرامون این موضوع را بررسی کنیم.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

چشمان خود را کنترل کنند

و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ

عَلَى جُيُوبِهِنَّ

چشمان خود را کنترل کنند

و دامان خود را (از گناه) حفظ نمایند

مگر آنچه نمایان است، (مانند گردی صورت)

و روسری‌های خود را بر روی سینه

و گریبان خویش بیندازند

نور، ۳۰ و ۳۱

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ

و نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

پوشش‌های خود را به خود نزدیک سازند

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَيبِهِنَّ^۱

این کار از این جهت بهتر است

ذَلِكَ أَدْنَىٰ

که [به عفاف] شناخته شوند

أَنْ يُعْرَفْنَ

تا مورد اذیت قرار نگیرند

فَلَا يُؤْذَنَنَّ

.....

وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

احزاب، ۵۹



به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

لا يُجَدِّينَ : آشکار نکنند

يَصْنَعُونَ : انجام می‌دهند

أزکی : پاک‌تر

پس از قرائت و تکمیل ترجمه‌ی آیات، می‌کشیم با تدبیر در آن‌ها و به کمک سخنان پیشوایان و سیره و روش زندگی آنان سؤال‌های مربوط به پوشش را بررسی کنیم و به پاسخ درست برسیم.

● آیا در قرآن کریم درباره‌ی عفاف و حجاب دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال، در قرآن کریم هم برای مردان و هم برای زنان وظایف خاص و روشنی تعیین کرده

است، که عبارتند از :

سوره/آیه

.....

الف - وظیفه‌ی مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کرده و دامان خود را از گناه نگه دارند.

با رعایت این مسئولیت از جانب مردان، بخش قابل توجهی از سلامت جامعه تأمین می‌شود. اما اگر مردی، پاکی و تقوا نداشته باشد و با نگاه خود نامحرم را زیر نظر بگیرد،

۱- جلابیب جمع جلاباب است. جلاباب، پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوتاه‌تر است. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۸)

مقدمت گناهان بزرگ تر را فراهم می‌کند و نمی‌تواند خود را از لغزش حفظ نماید. به همین جهت رسول خدا (ص) می‌فرماید :

نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه‌ی شیطان است. هرکس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند، خدا ایمانی به او می‌دهد که شیرینی آن را در دل احساس می‌نماید.^۱

ب - زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

ج - استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

د - زنان باید حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشاند.

علاوه بر قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود حجاب را مشخص کرده و رعایت آن را از ما خواسته‌اند.

امام کاظم (ع) در جواب برادرش که پرسید : دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟

فرمود : **چهره و دست تا میچ**.^۲

یکی از یاران امام صادق (ع) به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم : آیا ساعد زن از قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود : بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد نباید آشکار شود، همچنین از میچ به بالا باید پوشیده شود.^۳

هم چنین از قرآن کریم به دست می‌آوریم که :

الف - زنان مسلمان از همان ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند. لذا خداوند به آنان دستور می‌دهد روسری‌ها و پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

ب - این پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و پاکی شناخته شود و افراد بی‌بندوبار که اسیر هوئی و هوس خود هستند، به خود اجازه‌ی تعرض به او را ندهند.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸

۲- قرب الاسناد، ص ۱۰۲

۳- کافی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵

● آیا اسلام نحوه و شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آن‌ها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند. بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت‌نما کند یا وسیله‌ی جلب توجه زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظفند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید چسبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه‌ی الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا باارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به‌طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیش‌تر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

● چه زنانی، محرم مردان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم مردان عبارتند از :

الف : محارم نسبی که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند :

۱- مادر و مادر بزرگ

۲- خواهر و بچه‌ها و نوه‌های خواهر

۳- دختر و نوه‌های دختر

۴- دختر برادر و نوه‌های او

۵- عمه و عمه‌ی پدر و مادر

۶- خاله و خاله‌ی پدر و مادر

ب : محارم سببی که به سبب ازدواج محرم می‌شوند :

۱- زن ۲- مادرزن و مادر بزرگ او ۳- زن پسر (عروس)

۱- زن پدر (نامادری) و دختر زن (نادختری) و نوه‌هایش نیز بر مرد محرم می‌شوند. برخی محارم نیز به واسطه‌ی شیر دادن محرم

می‌شوند که محارم رضاعی نام دارند.

● چه مردانی، محرم زنان هستند؟

بنابر آیات قرآن کریم و روایات معصومین، محارم زنان عبارتند از :

الف : محارم نسبی که به سبب خویشاوندی نسبی محرم هستند :

- ۱- پدر و پدر بزرگ
- ۲- برادر و بچه‌ها و نوه‌های برادر
- ۳- پسر و نوه‌های پسر
- ۴- پسر خواهر
- ۵- عمو و عموی پدر و مادر
- ۶- دایی و دایی پدر و مادر
- ۷- پسر برادر

ب : محارم سببی که به واسطه‌ی ازدواج محرم می‌شوند :

- ۱- شوهر
- ۲- پدر شوهر و پدر بزرگ او
- ۳- شوهر دختر^۱

● چرا میان پوشش زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟

انسان در مقابل هر نعمت و موهبتی که از جانب خدا به او می‌رسد، مسئولیت‌هایی دارد، که

از جمله‌ی آن‌ها :

۱- حفظ و نگهداری آن نعمت،

۲- بهره‌برداری از آن نعمت در جهت رشد و کمال است.

خداوند زنان را بیش از مردان از نعمت زیبایی بهره‌مند کرده و همین نعمت را پشتوانه‌ی مهمی برای ازدواج زن و مرد و تحکیم خانواده قرار داده است. زن به شکرانه‌ی این نعمت، باید اولاً در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد؛ ثانیاً از این نعمت برای استحکام بنیان خانواده بهره‌برد. اما جلوه‌گری در عرصه‌ی جامعه و در مقابل نامحرمان، سرانجامی جز گسترش روابط نامشروع و افزایش طلاق و جدایی نخواهد داشت، بلایی که امروزه جوامع غربی گرفتار آن هستند و متأسفانه برخی افراد به جای الگو گرفتن از تلاش‌های علمی و صنعتی غرب، از مد و لباس و نوع روابط دختر و پسر آنان پیروی کرده و به تدریج گرفتار نتایج خانمان‌سوز آن، از جمله، افزایش طلاق شده‌اند.

این مسئولیت‌ها زمینه‌ساز منشأ تفاوت پوشش زنان و مردان است. به میزانی که پوشش یک زن از حدود اسلامی فاصله می‌گیرد، به همان میزان، آن مسئولیت‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرند. البته فایده و ثمره‌ی این وظیفه و مسئولیت‌ها، مانند سایر مسئولیت‌ها، ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می‌رسد.

۱- شوهر مادر (ناپدری) و پسر شوهر که فرزند خودش نباشد نیز محرم زن محسوب می‌شوند. برخی محارم نیز به واسطه‌ی شیر دادن

محرم می‌شوند. که محارم رضاعی نام دارند.



با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن

در هریک از موارد زیر چه ثمراتی دارد؟

۱- برای زن :

.....

.....

۲- برای مرد :

.....

.....

۳- برای خانواده :

.....

.....

۴- برای جامعه :

.....

.....

● آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌گردد؟

حفظ موهبت‌ها و نعمت‌های خدادادی نه تنها سلب آزادی تلقی نمی‌شود بلکه به معنای بهره‌مندی

مطلوب و درست از آن‌هاست.

پوشش زنان نیز، بنابه فرموده‌ی قرآن کریم، نه تنها آزادی و حضور مؤثر آنان در جامعه را سلب

نمی‌کند بلکه فعالیت‌های مؤثر، مفید و بدون زیان آنان را ممکن می‌سازد، سلامت اخلاقی جامعه را بالا

می‌برد، حریم و حرمت زن را حفظ می‌کند و آرامش روانی او را افزایش می‌دهد.



جایگاه حجاب در ادیان دیگر

گرایش به پوشش و عفاف یک گرایش فطری در میان زنان و مردان است اما میزان و شکل آن رابطه‌ی مستقیمی با اخلاق و فرهنگ جوامع داشته و دارد. در سرزمین‌های مختلف، انسان‌هایی که به ارزش‌های اخلاقی اعتقاد بیشتری داشته‌اند، از پوشش کامل‌تر و متین‌تری استفاده کرده‌اند و هر قدر سطح ارزش‌های اخلاقی در آن جوامع پایین آمده، پوشش مردان و زنان نیز در سطح پایین‌تری قرار گرفته و شکل نامناسبی پیدا کرده است. ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده و آن را لازمی دینداری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پای‌بند بودند.^۱ در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیتی زیادی داشته و زنان معتقد به حضرت مسیح (ع) می‌کوشند مانند حضرت مریم (س) موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به‌خصوص نقاشان قدیمی‌تر، تصویر حضرت مریم (س) را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. هم‌چنین از گذشته تا زمان حاضر زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دینداری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

توجه داشته باشیم که در زمان ظهور حضرت مسیح (ع) در فلسطین، اروپا در شرک و بت‌پرستی به‌سر می‌برد. مردم گرفتار آداب و رسوم مشرکانه بودند و زنان آن‌ها معمولاً موی خود را نمی‌پوشاندند. اما با آمدن مسیحیت به اروپا و گسترش تعالیم دین مسیح (ع) پوشیدن موی سر نیز در میان زنان گسترش یافت. اما در دوران‌های اخیر پایبندی به تعالیم دینی کمتر شد و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار گرفته و به آن‌ها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه‌تنها جایگاهی در اندیشه‌ی مسیحیت حقیقی ندارد، بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه‌ی قبل از حضرت مسیح (ع) محسوب می‌شود. زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در

محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. حتی گفته‌اند که خشایارشا، پادشاه هخامنشی، از همسرش خواست که در روز جشن ازدواج بدون پوشش مناسب حضور یابد. اما آن زن عفاف خود را بر ملکه‌ی ایران بودن ترجیح داد و این دستور را نپذیرفت. خشایارشا نیز او را از دربار خود بیرون کرد.^۱

در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کم‌تر قوم و ملّتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

گام ششم

حضور آراسته و با عفت در جامعه

برای حضور عزتمند و عقیفانه در جامعه، دو برنامه را دنبال می‌کنیم:

۱- می‌کوشیم همواره آراسته، تمیز و پاک باشیم همان‌طور که پیامبر خدا و اهل بیت ایشان این‌گونه بودند.

۲- حدود حجاب و پوشش اسلامی را رعایت می‌کنیم؛ تا هم خدای بزرگ از ما راضی باشد و هم عزت و عفاف ما در جامعه حفظ شود و این عمل ما سبب گسترش کرامت‌های اخلاقی در میان مردم گردد.

خدایا! در این راه پشتیبان و یاورمان باش.

۱- تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، حسن پیرنیا، صص ۹۹ و ۱۰۰ و تاریخ ده هزار ساله‌ی ایران، عبدالعظیم رضایی،

۱- برای حضور سالم و عزتمند در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟

۲- با این که پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح (ع) یک امر پسندیده است، برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی توجه اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

۳- با تکمیل جدول زیر مشخص کنید که کدام یک از مردان زیر نسبت به زنان، محرم و کدام نامحرم می‌باشند.

نامحرم	محرم	نسبت	
		پسرخاله	۱
		شوهرخواهر	۲
		پسرعمه	۳
		پدر بزرگ مادر	۴
		برادر شوهر	۵
		نوهی خواهر	۶
		پسرعمو	۷
		پسر دایی	۸
		برادر مادر	۹
		پسر دختر	۱۰

وضع جامعه‌ی اطراف خود را بررسی کنید و ببینید که :

۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟

۲- عزت‌نفس و حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟

نظارت همگانی^۱

آیا تاکنون با کشتی سفر کرده‌اید؟

در روزگاران قدیم که دریانوردان با کشتی‌های بادبانی پهنه‌ی دریاها و اقیانوس‌ها را می‌پیمودند، با حوادث دلهره‌آور و خاطره‌انگیزی روبه‌رو می‌شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی که کرانه‌های آن ناپیداست، ساکنان کشتی را به هم نزدیک می‌کرد. آنان در هنگام خطر حس می‌کردند که چقدر سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است! یا با هم نجات خواهند یافت و یا با هم در دریا فرو می‌روند!

روزی رسول خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به یارانش فرمود: «مردم یک جامعه مانند سرنشینان کشتی‌اند. اگر کسی جایی را که نشسته، به بهانه‌ی این‌که جای خودش است، سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد کرد».

رسول خدا (ص) از بیان این مثال چه هدفی داشته‌اند؟

چه شباهتی بین سرنشینان کشتی و مردم یک جامعه است؟

چه مسئولیت مشترکی بر عهده‌ی هریک از افراد جامعه می‌باشد؟

۱- این درس با استفاده از کتاب «بایدها و نبایدها» اثر آیت‌الله شهید دکتر بهشتی تنظیم شده است.

آیات شریفه‌ی زیر را به دقت و زیبا قراآت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا

..... وَلَا تَفَرَّقُوا

..... وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

..... إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

..... فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

تا به لطف او بایکدیگر برادر شدید

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا

و كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ

و بر کنار پرتگاه آتش بودید

فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا

که شما را از آن رهانید

..... كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

..... لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

باید از شما مردمی پدید آید

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ

..... يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

..... وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

..... وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

..... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

أل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

..... وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

توبه، ۷۱

شما بهترین امتی هستید

که برای مردم پدیدار شده‌اید

چون

.....

.....

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ

أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...

آل عمران، ۱۱۰



به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

إِعْتَصِمُوا : چنگ زنید، تمسک جوید أَلْفَتْ : الفت ایجاد کرد يُبَيِّنُ : روشن می‌کند
وَلَاتَفَرَّقُوا : پراکنده نشوید أَوْلِيَاءُ : جمع ولی : سرپرست يُطِيعُونَ : اطاعت می‌کنند
سَيَرْحَمُهُمْ : س + يَرْحَمُ + هُمْ : بزودی رحمت می‌آورد برای آنها

هدف واحد و مسئولیت مشترک

قبل از تدبر در آیات و برای درک عمیق تر آن‌ها، به سراغ سخن رسول خدا (ص) می‌رویم که جامعه‌ی اسلامی را به کشتی تشبیه کرده است تا بدانیم که این دو از چه جهاتی با هم شباهت دارند. سرنوشت سرنشینان یک کشتی که در حال گذر از دریاها و اقیانوس‌هاست، در امور زیر به هم پیوند خورده و مسئولیت مشترکی دارند:

- همه‌ی آن‌ها با یک وسیله و به سمت یک هدف حرکت می‌کنند.
- هیچ‌یک از ساکنان کشتی نمی‌تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت حرکت کشتی را تغییر دهد.
- کشتی هم نمی‌تواند در آن واحد چند جهت متفاوت را دنبال کند.
- حفظ امنیت و سلامت کشتی برای رسیدن به مقصد بر عهده‌ی همه‌ی افراد است.
- اختصاصی بودن جا و برخی وسایل دیگر این حق را به کسی نمی‌دهد که هر طوری که میل دارد از آن‌ها استفاده کند.
- حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، ناامیدی یا امیدواری افراد در لحظه‌های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه‌ی ساکنان را تغییر می‌دهد.
- سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه‌شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است.



با توجه به مشابهت جامعه اسلامی با کشتی، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- آیا هر فردی می‌تواند به میل خود مقصدی برای کشتی اجتماع تعیین

کند؟

.....

۲- آیا هر فردی به بهانه‌ی استقلال در مسائل شخصی، می‌تواند بگوید

«من هر طور که میل دارم زندگی می‌کنم و انتخاب‌های من ارتباطی به دیگران

ندارد؟»

.....

۳- آیا هر کس به بهانه‌ی نفع شخصی می‌تواند بگوید «من فقط برای رفاه

و سعادت خود تلاش می‌کنم و کاری به دیگران ندارم.»؟

.....

۴- ارتباط و تأثیرگذاری اعضای جامعه بر هم عمیق‌تر است یا سرنشینان

یک کشتی؟

.....

اکنون که علت تشبیه جامعه‌ی اسلامی به کشتی را دریافتیم، به سراغ آیات قرآن کریم می‌رویم تا پیام‌های آن را به دست آوریم.



با تدبیر در آیات ابتدای درس پیام‌های زیر را تکمیل کنید و مشخص نمایید

که هر پیام از کدام آیه به دست آمده است.

سوره/آیه	پیام آیات	ردیف
	عامل اصلی وحدت جامعه‌ی اسلامی..... است.	۱
	افراد جامعه‌ی اسلامی مسئول رفتارهای یکدیگرند زیرا خداوند آن‌ها را..... قرار داده است.	۲
	برای انجام این مسئولیت باید یکدیگر را دعوت به..... نمایند.	۳
	هم‌چنین، برای انجام این مسئولیت باید یکدیگر را امر..... کنند.	۴
	در صورتی جامعه اسلامی یک جامعه‌ی نمونه می‌شود که به خدا..... داشته باشند و..... کنند.	۵
	با انجام این مسئولیت‌هاست که کشتی جامعه‌ی اسلامی..... می‌رسد.	۶
	یکی از ویژگی‌های امت اسلامی که سبب می‌شود بهترین امت باشد، انجام..... است.	۷
	یکی از عواملی که سبب می‌شود جامعه‌ی اسلامی از رحمت خداوند دور شود،..... است.	۸

اکنون که پیام‌های آیات را به دست آوردیم، به کمک سخنان پیشوایان بزرگوار، به تبیین

مسئولیت‌های زیر می‌پردازیم.

۱- دعوت یک‌دیگر به خیر و نیکی.

۲- امر به معروف و نهی از منکر.

دعوت به خیر و نیکی

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است. این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی‌هاست تا میدان بر بدی‌ها تنگ شود و تمایل به سوی آن‌ها کاهش یابد. این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می‌بخشد و هم به تعالی آن کمک می‌کند و هم به عنوان پیش‌گیری، مانع گسترش گناه می‌شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه‌ی دوّم است، کم می‌کند. بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است؛ چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

دعوت‌کننده‌ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت‌کننده هستند.^۱

راستی کسی که خود به خوبی‌ها عمل نمی‌کند، چگونه می‌تواند دیگران را دعوت نماید؟ کسی که خود تمایلی به خوبی‌ها ندارد، چگونه می‌تواند در دیگران میل به آن‌ها را پدید آورد؟ مرتبه‌های بعدی دعوت به خیر، دعوت با زبان و گفت‌وگو، با کتاب و مقاله، با شعر، تصویر، فیلم و مانند این‌هاست.

امر به معروف و نهی از منکر

با این که دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌ها، گرایش به آن‌ها را در مردم افزایش می‌دهد و زمینه‌های گناه را کم می‌کند، اما همواره افرادی هستند که از فرمان‌های الهی سرپیچی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان‌ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می‌کند.

این اقدام مناسب همان «نظارت همگانی» است که به صورت «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه‌ی اسلامی به اجرا درمی‌آید. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین (ع) هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای آن دانست.

حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که در واقع وصیتی به همگان

۱- کافی، چاپ اسلامی، ج ۳، ص ۱۲۸

است، می فرماید :

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند و آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.^۱

امام باقر (ع) می فرماید :

امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ی بزرگ الهی است که همه‌ی واجبات با آن برپا می شود و به وسیله‌ی آن امنیت برقرار می گردد، کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تأمین می شود و در سایه‌ی آن آبادانی می آید و از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها رو به راه می گردد.^۲

قوم بنی اسرائیل، هم در زمان حضرت داود (ع) و هم در عصر حضرت عیسی (ع) راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.^۳ امام صادق (ع) درباره‌ی آنان می فرماید :

گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن‌ها را ملاقات می کردند، به روی آن‌ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند.^۴

از طرف دیگر، اگر کسانی امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند، در خیر و خوبی‌های جامعه شریک می شوند و خداوند به خاطر آن خوبی‌ها هم به آنان پاداش می دهد.
رسول خدا (ص) می فرماید :

هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی بازدارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن‌ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.^۵
اهمیت این وظیفه تا آن جاست که امام علی (ع) می فرماید :

تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره‌ی آبی است در برابر دریای پهناور.^۶

۱- نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب اول، حدیث ۶، ص ۳۹۵

۳- مائده، ۷۸ و ۷۹

۴- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۲

۵- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹

۶- وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُنُهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفِئَةٍ فِي

بَحْرِ لُجِّي - نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴



برخی از افراد وقتی مرتکب گناهی می‌شوند و دیگران به آن‌ها تذکر می‌دهند، این را دخالت در حوزه‌ی زندگی خود می‌شمرند و سلب آزادی خود تلقی می‌کنند. این دیدگاه را با آیات و روایات، به‌خصوص با مثال کشتی مقایسه کنید و نتیجه‌گیری نمایید.

.....

.....

.....

.....

احکام امر به معروف و نهی از منکر

این احکام عبارتند از :

الف - شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید :

۱- بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است.

۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳- احتمال بدهد امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد.

۴- بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، واجب نیست.

توجه : اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات

آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ اسلام و از بین بردن ظلم و فساد بنی امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند.

ب - مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

مرحله دوم: با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می توان از شیوه های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و نتایج عمل خود بهتری پی برد.

مرحله سوم: او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه ی مسئولیت های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه ی اوست.

ج - توصیه های مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر

انتخاب روش های درست برای انجام امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است. زیرا اگر این وظیفه به روش درست انجام نگیرد، نتیجه ی معکوس دارد به طوری که گاهی سبب می شود فرد گناهکار بر گناه خود اصرار بورزد و اخوت اسلامی از بین برود؛ از این رو، امام خمینی - رحمه الله علیه - توصیه می کند که:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است:

- ۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.
- ۲- مانند طیبی مهربان رفتار کند.
- ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.
- ۴- از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد.
- ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد.
- ۶- خود را منزه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.
- ۷- اگر بداند و با احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می شود، باید

آن را تکرار کند^۱.

با توجه به گسترش روابط اجتماعی و پیدایش رسانه‌های جدید مانند روزنامه‌ها، مجلات، سینما، رادیو و تلویزیون، از همه‌ی این رسانه‌ها برای دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر که جنبه‌ی اجتماعی و عمومی دارند، باید کمک گرفت. در استفاده از رسانه‌ها نیز باید شرایط و مراحل‌ی که ذکر شد، به‌صورت دقیق رعایت شود تا حقوق، احترام و آبروی افراد حفظ گردد و امر به معروف و نهی از منکر نتیجه‌بخش باشد.

بیشتر بدانیم

آیا می‌دانید هدف اصلی نهضت حسینی چه بود؟

روزی که امام حسین (ع) تصمیم گرفت برای قیام علیه یزیدیان مدینه را به‌سوی مکه ترک کند، کنار قبر جدش رسول‌خدا (ص) آمد و با خدا نیایش کرد و گفت:

خدایا! این قبر پیامبر تو محمد (ص) است، و من فرزند دختر پیامبر توأم.
آن‌چه برای من پیش آمده است، تو از آن آگاهی؛ خدایا من دوستدار خوبی‌ها و بیزار
از بدی‌ها هستم.^۲

سپس وصیتی نوشت و به برادرش محمد حنفیه داد. در این وصیت‌نامه فرمود:
انگیزه‌ی نهضت و انقلاب من، هوی و هوس و تمایلات شخصی نیست، هدف من
فساد و ستمگری نیست، بلکه هدف من اصلاح اوضاع نابسامان امتِ جدّم پیامبر (ص)
است. هدف من امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

ما نیز در زیارت وارث شهادت می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ
وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

به‌راستی که او شهید امر به معروف و نهی از منکر است.

۱- تحریر الوسیله، چاپ دفتر انتشارات اسلامی، ج ۳، صص ۲۲۳-۲۹۱

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۸

۳- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

جلوه‌ی شجاعت و عزت در امر به معروف و نهی از منکر

از روز هشتم محرم تا روز ورود خانواده‌ی امام حسین (ع) به مجلس یزید را در خاطر مرور کنید. حوادث غمباری را که در این مدت بر حضرت زینب (س) گذشته از نظر بگذرانید. سپس فضای مرگبار مجلسی را که ایشان به‌عنوان اسیر در آن حاضر است، مجسم کنید و یزید را که اکنون رئیس یکی از قوی‌ترین حکومت‌ها در جهان است، با آن قساوت و ددمنشی بنگرید.

سپس برگردید و قامت استوار زینب (س) را مشاهده کنید و به کلام او گوش فرا دهید که چگونه به رفتار مغرورانه‌ی یزید پاسخ می‌دهد:

بسم الله الرحمن الرحيم. سپاس و ستایش برای خدای جهانیان است. درود خدا بر جدّم سالار پیامبران و خاندانش.

راست گفت خدای سبحان، آن‌جا که فرمود:

«سپس فرجام آنان که مرتکب گناه شدند، این بود که آیات خدا را دروغ شمردند و به تمسخر آن پرداختند.»^۱

چه گمان کرده‌ای یزید؟!

این که راه‌های زمین و آفاق آسمان را بر ما بست و ما را بسان اسیران به این سو و آن‌سو راندی، گمان می‌کنی که نشانگر خواری ما نزد خدا و عزت و بزرگی تو نزد اوست؟

کبر ورزیدی، گردن‌فرازی کردی و به خود بالیدی و شادمان گشتی از این که دنیا به تو روی آورده، کارها بر وفق مرادت شده و ملک ما و حکومت ما به سیطره‌ات درآمده است؟!

کجا با این شتاب؟!

آهسته‌تر یزید!

فراموش کرده‌ای این فرموده‌ی خداوند را که:

«آنان که کفر ورزیدند، گمان نکنند که مهلت ما به سود آن‌هاست. ما به آنان مهلت

و فرصت می‌دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند و غذایی دردناک در انتظار آنان است.^۱ ای فرزند آزاد شدگان که بر آنان منت گذاشته شد! آیا این از عدالت است که زنان و کیزان تو در پرده باشند و دختران رسول خدا، اسیر و آواره؟ حجاب آنان را بدری، روی آنان را بگشایی، دشمنان، آنان را از شهری به شهری ببرند و روستایی و شهری بدانها چشم بدوزند و از نزدیک و دور و پست و شریف به تماشایشان بایستند در حالی که نه از مردانشان سرپرستی مانده و نه از یاورانشان، مددکاری.

و چه توقع و انتظاری است از فرزندان آن جگرخواری^۲ که جگر پاکان را به دندان کشیده و گوشتش از خون شهیدان روییده است؟! و چگونه در عداوت با ما شتاب نکند کسی که به ما به چشم بغض و کینه و خشم و دشمنی می‌نگرد و بی‌هیچ حیا و پروایی می‌گوید: «ای کاش پدرام بودند و از شادمانی فریاد می‌زدند: ای یزید! دست‌میزاد!» و بی‌شرمانه بر لب و دندان اباعبدالله، سید جوانان اهل بهشت، چوب می‌زند!

ای یزید! چرا چنان نگویی و چنین نکنی؟! تویی که جراحت را به انتها رساندی و ریشه‌مان را بریدی و خون فرزندان محمد(ص) و ستارگان زمین از خاندان عبدالمطلب را به خاک ریختی و یاد پدران کردی و به گمانت آنان را فراخواندی.

پس به زودی به آنان می‌پیوندی و به عاقبت آنان دچار می‌شوی و آرزو می‌کنی که ای کاش لال بودی و آنچه گفتی، نمی‌گفتی. و آرزو می‌کنی ای کاش فلج بودی و آنچه کردی، نمی‌کردی.

بارخدا! حق ما را بستان و از ستمگران بر ما انتقام بکش و خشم و غضب را بر قاتلان ما و قاتلان حامیان ما جاری ساز.

قسم به خدا که ای یزید! تو پوست خود را دریدی و گوشت خود را بریدی و به زودی بر رسول خدا وارد می‌شوی با بار سنگینی از خون فرزندانش و هتک حرمت

۱- ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۷۸ سوره‌ی آل‌عمران

۲- مادر بزرگ یزید، «هند» همسر ابوسفیان بود که در جنگ احد بالای بدن حمزه، عموی پیامبر(ص) آمد، با خنجر بدنش را درید و

تکه‌ای از جگرش را به دندان گرفت و جوید.

خاندان و بستگانش، در آن جا که خداوند آشفتنگی آنان را سامان می‌بخشد، خاطر پریشان آن‌ها را جمع می‌کند و حقّشان را می‌ستاند.

«و گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند، آنان زنده‌اند و در نزد خداوندشان روزی می‌خورند.»^۱

و تو را همین بس که حاکم خداست. محمد (ص) دشمن توست و جبرئیل پشتیبان او. و به زودی آن‌که سلطنت را برای تو آراست و تو را بر گردن مسلمانان سوار کرد، خواهد دید که ستمگران را چه عقوبت و جایگاه بدی است و خواهید دید که کدام یک از شما جایگاه بدتری دارید و لشکر ناتوان‌تری.

و اگر چه روزگار، مرا با تو هم گفتار کرد ولی من همچنان تو را حقیر می‌بینم و سرزشت را لازم می‌شمرم و توییخت را واجب می‌دانم.

ولی حیف که چشم‌هایمان اشکبار است و سینه‌هایمان آتش‌دار.
در شگفتم! و بسیار در شگفتم از این‌که بزرگ‌زادگان حزب خدا به دست بردگان آزاد شده‌ی حزب شیطان، کشته شدند!؟

و از دستهای شماس است که خون ما می‌چکد و با دهان‌های شماس است که گوشت ما کنده می‌شود.

مگر نه این‌که گرگ‌ها بر گرد آن بدن‌های پاک و تابناک حلقه‌زده‌اند و گفتارها، آن‌ها را در خاک می‌غلطانند.

اگر اکنون غنیمت تو هستیم، به زودی غرامت تو خواهیم شد.^۲ آن هنگام که هیچ چیز جز اعمال خویش را با خود نخواهی داشت و خدایت به بندگان خویش ستم نمی‌کند و ملجأ و پناه من خداست و شکوه گاه من خداست.

پس هر مگری که می‌توانی بساز و هر تلاشی که می‌توانی بکن.
به خدا سوگند که ریشه‌ی یاد ما را نمی‌توانی بخشکانی و وحی ما را نمی‌توانی بمیرانی و دوره‌ی ما را نمی‌توانی به سر برسانی و ننگ این حادثه را نیز نمی‌توانی از خود برانی.

عقلت منحرف و محدود است و ایام حکومت کوتاه و معدود و جمعیت پراکنده

۱- ترجمه‌ی آیه‌ی ۱۶۹ سوره‌ی آل عمران

۲- یعنی در قیامت، در پیشگاه خدا باید جواب بدهی و زبان همه‌چیز را برداخت کنی.

و مطرود. روزی خواهد رسید که منادی ندا خواهد کرد:

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.^۱

پس حمد و سپاس از آن خدای جهانیان است که برای اولمان سعادت و مغفرت
رقم زد و برای آخرمان، شهادت و رحمت.

از خدا می‌خواهیم که ثوابشان را کامل کند و بر پاداششان بیفزاید و ما را جانشینان
شایسته‌ی آنان قرار دهد؛ که او با محبت و مهربان است و او برای ما کافی است و هم او
بهترین پشتیبان ماست.^۲

ای زینب ای شگوفی گلزار عاشقی	صبرت رهی‌گشوده به اسرار عاشقی
از خطبمی بلوغ تو عالم شنیده‌اند	شور حماسی تو و تکرار عاشقی
صدای دل است بسته به بند کلام تو	فاتح‌ترین، به عرصه‌ی پیکار عاشقی
پنداشتم که اول آسودگی ست عشق	پندار من به باد شد از کار عاشقی
وقتی به بند دیدمت ای عاشق غریب	چون لاله‌های تشنه و تبار عاشقی
فردا به دامنست برسد کاش بخت‌ای	دستی چنین تویی و خریدار عاشقی

صمت‌ی‌رزانی

۱- هود، ۱۸: آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران عالم است.

۲- ترجمه از کتاب «آفتاب در حجاب» اثر سید مهدی شجاعی، صص ۲۰۴-۲۰۰

گام هفتم

حضور مسئولانه در جامعه

همان‌طور که از سعادت و بهروزی خود لذت می‌برم، کامرانی و خوشبختی دیگرانسان‌ها نیز برایم شیرین و شادی‌آور است. بنابراین برای رستگاری آنان نیز تلاش می‌کنم و کارهای زیر را در برنامه‌ی روزانه‌ی خود قرار می‌دهم:

۱- همواره دیگران را با روش‌های درست، به‌خصوص با انجام عمل نیک به نیکی‌ها دعوت کنم.

۲- در مقابل ترک واجبات و انجام محرمات احساس مسئولیت کرده، برای جلوگیری از تکرار آن‌ها اقدام نمایم.

۱- با تفکر در آیات درس، ثمرات امر به معروف و نهی از منکر را به دست آورید.

۲- کدام خیرها و خوبی‌هاست که نیاز به دعوت به آن‌ها را بیش‌تر احساس می‌کنید؟

بهترین راه دعوت دیگران به کارهای خوب چیست؟ راه حل عملی شما کدام است؟

۳- یکی از مصادیق کارهای خوب (معروف) در مدرسه، محله و شهر شما را که ترک شده، نام ببرید و راه‌های پیشنهادی برای انجام دادن آن را بیان کنید.

۴- یکی از مصادیق منکر را که در مدرسه، محله یا شهرتان بیش‌تر مشاهده کرده‌اید، نام ببرید و راه‌های عملی برای ترک آن را پیشنهاد دهید.

۵- در رفتار میان کشورها و ملت‌ها، به‌خصوص قدرت‌های بزرگ با سایر کشورها چه منکرهایی مشاهده می‌کنید؟

۶- آیا می‌توان مبارزات ملت فلسطین را مصداقی از امر به معروف به حساب آورد؟

با همکاری یکدیگر، سخنرانی حضرت زینب را در قالب یک نمایش اجرا کنید.

